

اعتراضات ایران

سیاست ایجاد ترس: احکام اعدام برای معترضان

شماره ۱۰



خرداد ۱۴۰۲



پس از شروع اعتراضات به مرگ مهسا امینی در بازداشت پلیس امنیت، ده‌ها هزار نفر از معترضان در ایران در نُه‌ماه گذشته دستگیر، و با اتهامات مختلفی محاکمه شدند و احکام زندان دریافت کردند. در این میان شماری از معترضان دستگیرشده با اتهامات جدی‌تر مواجه شدند، اتهاماتی که براساس قوانین ایران برای برخی از آنان حکم اعدام در پی داشته است.

علاوه بر اجرای احکام اعدام افراد بازداشت‌شده در جریان قیام ژینا، حکومت ایران در ماه‌های اخیر صدها نفر را به اتهامات مختلف اعدام کرده است.

در نُه‌ماه گذشته پس از شروع قیام زن، زندگی، آزادی، هفت تن از معترضان دستگیرشده در جریان اعتراضات مردمی اعدام شده‌اند و شماری نیز همچنان زیر حکم اعدام قرار دارند.

روز دوازدهم می سازمان دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرد از ماه آوریل، مقامات ایران حداقل ۶۰ نفر را اعدام کرده‌اند. مجموعه فعالان حقوق بشر(هیرانا) نیز گزارش داده است که در سال ۲۰۲۲، مقامات ایران ۵۶۵ نفر را اعدام کردند که ۵ تن از آن‌ها در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال داشته‌اند. بنا بر همین گزارش از یکم ژانویه تا پنجم ماه مه ۲۰۲۳، حداقل ۱۹۲ نفر از جمله ۸ زن در ایران اعدام شده‌اند. بیشتر این اعدام‌ها با مواد مخدر و قتل مرتبط بوده‌اند.

براساس آمار جمع‌آوری شده توسط گروه‌های حقوق بشری، هم‌اکنون دست‌کم دوازده نفر از معترضان حکم اعدام دریافت کرده‌اند که حکم چهار نفر از آن‌ها یعنی مهدی محمدی‌فرد، جواد روحی، ماهان صدرات مرنی و سامان صیدی معروف به سامان یاسین، در دیوان عالی کشور نقض شده و پرونده‌شان باید مجدداً توسط دادگاه مورد بررسی قرار بگیرد. از هشت نفر دیگر نیز حکم اعدام محمد قبادلو برای دومین بار در دیوان عالی کشور تایید شده و هفت نفر دیگر در انتظار نتیجه فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور هستند.

معترضان اعدام شده



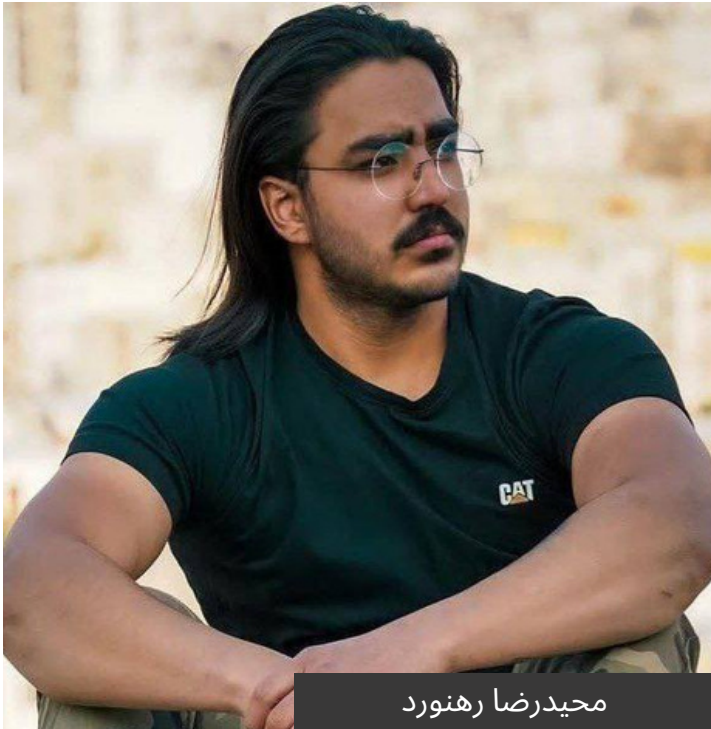
اما دستگاه قضایی در بامداد روز جمعه نوزدهم ماه می حکم اعدام آنها را اجرا کرد. این سه نفر متهم شده بودند که در کشته شدن سه مامور امنیتی نقش داشتند.

خبرگزاری‌های نزدیک به حکومت و همچنین تلویزیون ایران طی این مدت فیلم‌هایی از اعترافات اجباری این سه منتشر کرده بود تا نشان دهد آنها مسئول مرگ نیروهای امنیتی بوده‌اند. خود متهمان اما پس از آن که دوره بازجویی‌شان به پایان رسید و از بازداشتگاه امنیتی به زندان عمومی منتقل شدند و امکان ملاقات و تماس با خانواده‌هایشان را پیدا کردند، در چندین نوبت اظهار کردند که تمام اعترافات‌شان تحت شکنجه بوده و ماموران تهدیدشان کرده بودند که در صورت اعتراف نکردن، خانواده و بستگان‌شان را نیز دستگیر می‌کنند. این سه نفر در دوران دادرسی از حق دسترسی به وکیل تعیینی محروم بودند و هرگز امکان این را نیافتند تا در شرایطی عادلانه محاکمه شوند.

از اعدام‌های سیاسی اخیر اما می‌توان به اعدام سه نفر از بازداشت‌شدگان مرتبط با قیام ژینا در اصفهان اشاره کرد.

در روز ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲، دستگاه قضایی ایران اعلام کرد که صالح میرهاشمی، مجید کاظمی و سعید یعقوبی را که متهمان ردیف اول تا سوم پرونده موسوم به خانه اصفهان بودند، اعدام کرده است. اعدام این سه نفر فقط در کمتر از ده روز پس از تایید حکمشان در دیوان عالی اتفاق افتاد.

در حالی که بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری و همچنین مردم عادی در شبکه‌های اجتماعی خواهان عدم اجرای حکم اعدام و برگزاری یک دادگاه عادلانه برای آنان بودند و مردم اصفهان نیز دو شب پیاپی با حضور در مقابل در زندان، درخواست توقف اجرای حکم را داشتند،



مجیدرضا رهنورد

فرایند دادگاه و صدور حکم او به سرعت و بدون تشریفات قانونی انجام شد. او متهم شد که در روز ۲۶ آبان در خیابان «حر عاملی» مشهد به شش بسیجی حمله کرده و در جریان این حمله دو تن از آنان کشته و چهار تن دیگر مجروح شده‌اند. قاضی برای او حکم «محاربه» صادر و به اعدام محکومش کرد. حکم او در کمتر از دو هفته بعد از جلسه دادگاه بدوی و در حالی که فقط سه هفته از دستگیری‌اش گذشته بود، اجرا شد. مجیدرضا رهنورد در دوران بازداشت و محاکمه از حق دسترسی به وکیل تعیینی محروم بود و در ویدیوهای پخش‌شده از صداوسیما جمهوری اسلامی، او با دست شکسته و سر و صورت کبود و زخمی در مقابل دوربین ظاهر شد.

محسن شکاری، اولین معترضی بود که به فاصله کمتر از سه‌ماه پس از آغاز قیام ژینا در روز ۱۷ آذرماه ۱۴۰۱ در تهران اعدام شد. او ۲۲ ساله بود و به اتهام آتش زدن یک سطل آشغال، بستن خیابانی در تهران و همچنین مجروح کردن یک مامور امنیتی به اتهام «محاربه» محاکمه و به اعدام محکوم شد. محسن شکاری از معترضانی بود که تا پیش از اجرا شدن حکم اعدامش، نامش در رسانه‌ها مطرح نشده بود. او در تمام مراحل دادرسی از داشتن وکیل اختیاری محروم بود و فاصله بین دستگیری تا اجرای حکم اعدامش فقط ۷۵ روز بود.



محسن شکاری

بعد از او، در ۲۱ آذر ۱۴۰۱، **مجیدرضا رهنورد** ۲۳ ساله، به اتهام دست داشتن در کشته شدن دو مامور امنیتی در مشهد اعدام شد. مجیدرضا رهنورد در روز ۲۸ آبان بازداشت شده بود.

دیگر اعدام‌های سیاسی



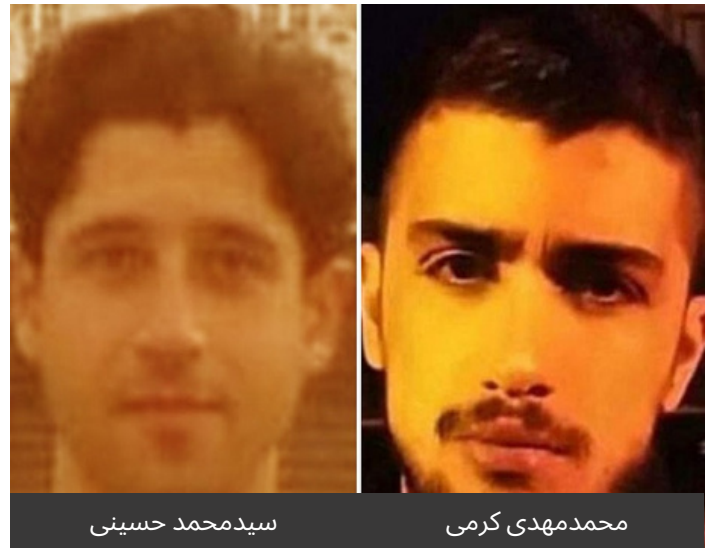
حبیب اسیود

در روز ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۲، حکومت ایران **حبیب‌الله اسیود (چعب)**، تبعه ایرانی-سوئدی، را به اتهام «افساد فی الارض» اعدام کرد. او که در آبان سال ۱۳۹۹ در ترکیه دستگیر شده بود، در تمام مدت بازداشتش در شرایط فوق امنیتی در بازداشتگاه وزارت اطلاعات نگهداری شد و هرگز امکان دسترسی به وکیل مستقل و یا صحبت کردن از شرایطش در دوران بازداشت را نداشت.

او متهم بود که گروه تحت رهبری‌اش حمله تروریستی ۳۱ شهریور ۹۷ به رژه اهواز در بلوار قدس را برعهده داشته است که منجر به کشته شدن ۲۵ نفر شده بود.

در دی‌ماه ۱۴۰۱، دو تن دیگر از بازداشت‌شدگان مرتبط با اعتراضات به نام‌های **محمد مهدی کرمی**، ۲۱ ساله، و **سید محمد حسینی**، ۴۰ ساله، به اتهام قتل یک مامور بسیجی اعدام شدند.

آن‌ها به همراه ۱۴ نفر دیگر به اتهام دست داشتن در مرگ یک مامور بسیجی به نام روح‌الله عجمیان دستگیر شدند. در دادگاه بدوی از ۱۶ متهم پرونده، پنج نفر به حکم اعدام و سایرین به ۲۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند. با اعتراض این متهمان، پرونده‌شان به دیوان عالی ارجاع داده شد. حکم اعدام محمد مهدی کرمی و سید محمد حسینی به سرعت تایید شد و در تاریخ هفدهم دی ماه ۱۴۰۱ به اجرا درآمد.



سید محمد حسینی

محمد مهدی کرمی

اعدام‌های سیاسی ماه‌های اخیر فقط به بازداشت‌شدگان اعتراضات ژینا خلاصه نمی‌شود. جمهوری اسلامی در یک ماه گذشته دستکم سه زندانی سیاسی- عقیدتی دیگر را که پیش از این دستگیر شده بودند، اعدام کرده است.

معترضان زیر حکم اعدام

محمد قبادلو: ساکن شهر جدید پرند، روز شنبه ۷ آبان ۱۴۰۱ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی به اتهام محاربه محاکمه و به اعدام محکوم شد. در جلسه دادرسی، با اعمال تبصره ماده ۴۸ آئین دادرسی کیفری، از ارائه دفاع وکیل مورد نظر متهم ممانعت شده بود. بر اساس کیفرخواست صادرشده محمد قبادلو متهم است که با خودروی سواری‌اش به ماموران موتورسوار برخورد کرده که اقدام وی منجر به کشته شدن یک مامور و مجروح شدن پنج مامور پلیس شده است.



محمد قبادلو

همچنین در روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه دو نفر به نام‌های **یوسف مهرداد** و **صدرالله فاضلی زارع** به اتهام توهین به مقدسات در ایران اعدام شدند. آن‌ها در سال ۹۹ دستگیر شده بودند و اعدام‌شان نشان داد که افراد در ایران فقط به دلیل تفاوت در اعتقادات مذهبی‌شان و یا حتی نقد به دین، ممکن است با خطر اعدام مواجه شوند.



صدرالله فاضلی زارع

یوسف مهرداد

فمننا در ادامه مجموعه گزارش‌های خود در مورد معترضان دستگیرشده در جریان قیام زن، زندگی، آزادی و با توجه به تشدید شمار اعدام‌ها در ایران و افزایش نگرانی برای معترضانی که با حکم اعدام مواجه هستند، به بررسی پرونده و معرفی آنان می‌پردازد. لازم به ذکر است که به جز این افراد، دست‌کم ۶۰ نفر دیگر از معترضان دستگیرشده در جریان اعتراضات پس از مرگ مهسا امینی با اتهاماتی مواجه هستند که می‌تواند حکم اعدام به همراه داشته باشد.

معترضان زیر حکم اعدام در بلوچستان

بلوچستان یکی از کانون‌های مهم مقاومت و اعتراض علیه حکومت در جریان قیام زن، زندگی، آزادی بوده است. بیشترین تعداد کشته‌شدگان اعتراضات و همچنین کودکان کشته‌شده متعلق به این منطقه است و همچنان پس از گذشت هشت ماه، مردم زاهدان هر جمعه، پس از برپایی نماز، راهپیمایی اعتراضی‌شان علیه حکومت را ادامه می‌دهند.

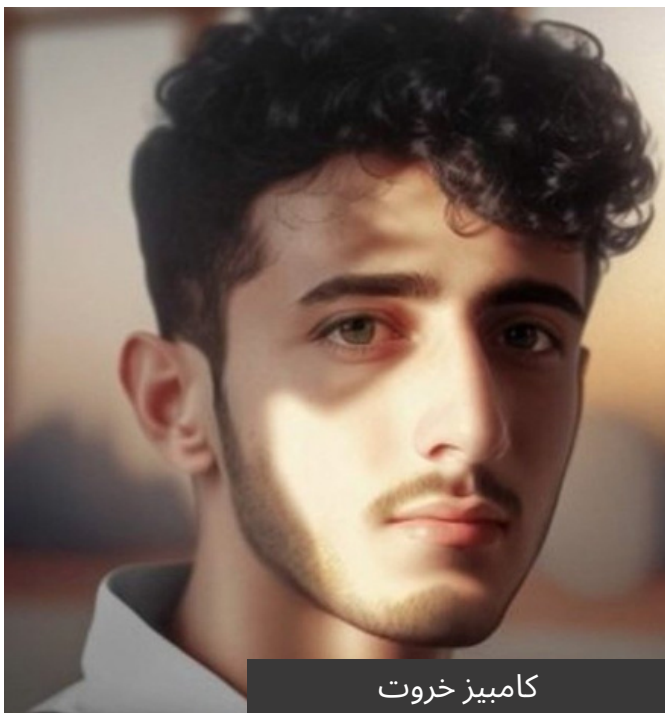


خانواده و پزشکان معالج قبادلو گفته‌اند که او به بیماری دوقطبی مبتلا است و در لحظه وقوع اتفاق به دلیل مصرف نکردن داروهایش، کنترلی بر اعمال خود نداشته است. اما روان‌پزشک پزشکی قانونی در جلسه دادگاه این موضوع را رد کرده است.

حکم اعدام محمد قبادلو چندی پیش در دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفت. با این حال وکیل تعیینی او که پس از دادگاه بدوی، وارد پرونده او شد، با ثبت درخواست اعاده دادرسی موفق به توقف اجرای حکم شد.

روز دوم خرداد ۱۴۰۲، امیر ریسیان، وکیل قبادلو، اعلام کرد که حکم اعدام او در پرونده «قصاص» در دیوان عالی کشور تایید شده است. گفتنی است او هم به اتهام کشتن مامور پلیس به قصاص محکوم شده و هم به اتهام محاربه، حکم اعدام دریافت کرده است. با تایید حکم قصاص او در دیوان عالی کشور، هم‌اکنون نگرانی‌ها برای احتمال اجرای این حکم افزایش یافته است.

کامبیز خروت ابتدا در روز نهم مهرماه ۱۴۰۱ دستگیر و اوایل آبان با قرار وثیقه آزاد شد، او سپس در روز بیستویک آبان ماه مجددا دستگیر و این بار با اتهامات جدی مواجه شد.



کامبیز خروت

براساس گزارش منابع بلوچ او در دوران بازداشت به شدت شکنجه شده و در دادگاه نیز از حق داشتن وکیل تعیینی محروم بوده است، با وجود این او در دادگاه همه اتهامات وارده علیه خود را رد کرده است. خروت هم اکنون در بند ۹ زندان مرکزی زاهدان به سر می‌برد و پرونده‌اش برای فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور در حال رسیدگی است.

از نظر نرخ اعدام‌ها نیز براساس آمار موجود، سی درصد اعدام‌ها در ایران، در این منطقه اجرا می‌شود، درحالی که فقط پنج درصد جمعیت ایران ساکن این استان هستند. سیستان و بلوچستان یکی از فقیرترین و توسعه‌نیافته‌ترین استان‌های ایران است که بالاترین آمار بیکاری را نیز دارد. فقر، تبعیض و سرکوب سیستماتیک علیه مردم بلوچ، آن‌ها را در شرایطی قرار داده است که از حداقلی‌ترین نیازهای انسانی مانند آب آشامیدنی تمیز نیز محروم هستند، و بسیاری از آن‌ها اغلب ناچارند با سوخت‌بری و یا قاچاق روزگارشان را بگذرانند و در ابعاد گسترده زندانی و اعدام شوند.

درحال حاضر نیز شش نفر از هشت معترض دستگیرشده زیر حکم اعدام از بلوچستان هستند.

کامبیز خروت: شهروند بلوچ ۲۲ ساله، توسط شعبه ۲ کیفری دادگاه شهید نوری زاهدان با اتهامات «اغتشاش و آشوب، از طریق محاربه و افساد فی الارض» به اعدام محکوم شد. این حکم در روز سیزدهم دی ۱۴۰۱ در زندان زاهدان به وی ابلاغ شده است.

حکم اعدام این شهروند بلوچ در زندان زاهدان ابلاغ شده است. این حکم بدوی با اعتراض وی به دادگاه تجدیدنظر ارسال شده است.



شعیب میربلوچ زهی ریگی

منصور دهمرده: ۲۳ ساله و شاگرد راننده اتوبوس و از بازداشتی‌های اعتراضات اخیر در زاهدان، روز ۱۳ دی‌ماه در شعبه دو کیفری دادگاه شهید نوری زاهدان با اتهام «افساد فی الارض» به اعدام محکوم شد. منصور دهمرده که معلولیت جسمی نیز دارد، در ۱۱ مهرماه ۱۴۰۱، توسط نیروهای اطلاعات در زاهدان بازداشت شد. به گزارش حال‌وش، «منصور در دادگاه به قاضی گفته من فقط سه تا سنگ پرتاب کردم و یک لاستیک آتش زدم».

شعیب میربلوچ زهی ریگی: جوان بلوچ ۱۹ ساله‌ای است که با اتهام «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم شده است. بر اساس گزارش‌ها، شعیب در تاریخ ۱۳مهرماه بازداشت و حکم اعدام او در تاریخ ۲۸ آذر، یعنی حدود دو ماه‌ونیم بعد از بازداشت صادر شد. شعیب در روز بازداشت، به قصد تهیه دارو، از خانه خارج شده و در مقابل داروخانه توسط نیروهای اطلاعات بازداشت شد. او به مدت ۱۴ روز در بازداشتگاه اطلاعات زاهدان شکنجه، وادار به اعترافات اجباری علیه خود شده است. به گفته منابع نزدیک، شدت شکنجه جسمی او به حدی بوده که پس از یک ماه هنوز آثار کبودی‌های شدید بر بدنش قابل مشاهده بوده است. شعیب میربلوچ زهی در حالی در دادگاه محاکمه شد که از حق داشتن وکیل محروم بوده است.



منصور دهمرده

او پس از یک هفته شکنجه در بازداشتگاه، ناچار به اعتراف اجباری علیه خود شد. حکم اعدام او روز نهم دی‌ماه در زندان مرکزی زاهدان ابلاغ شد. ابراهیم نارویی در دادگاه حق استفاده از وکیل تعیینی را نداشته است. او در حال حاضر در بند ۹ زندان مرکزی زاهدان به سر می‌برد و پرونده‌اش برای فرجام‌خواهی به دیوان عالی کشور ارسال شده است.

منصور هوت: شهروند ۲۷ ساله و فرزند «کمال خان هوت» شاعر پرآوازه بلوچ و از خوانندگان نامی موسیقی مقامی بلوچی و نوازند تنبورک است که در تاریخ دهم مهرماه ۱۴۰۱ دستگیر شد و با اتهامات «افساد فی الارض» و «محاربه» حکم اعدام دریافت کرد. او پدر یک پسر هشت‌ساله است. پیش‌تر کمپین فعالین بلوچ اعلام کرده بود که منصور هوت پس از دستگیری به مدت ۱۰ روز در بازداشتگاه اطلاعات سپاه چابهار نگهداری شده و تحت شکنجه قرار گرفته و پس از آن به بند ۲ زندان مرکزی زاهدان منتقل شده است.



منصور هوت

بر اساس همین گزارش او به مدت ۱۰ روز در بازداشتگاه اطلاعات تحت شکنجه شدید قرار داشته به طوری که دندان‌ها و بینی‌اش شکسته است. منصور دهمرده در حال حاضر در بند ۹ زندان مرکزی زاهدان محبوس است و بی‌توجه به شرایط جسمی‌اش از حق دسترسی به امکانات درمانی مناسب محروم مانده است. پرونده او هم‌اکنون برای فرجام‌خواهی به دیوان عالی کشور ارسال شده است.



ابراهیم نارویی

ابراهیم نارویی: شهروند ۲۵ ساله بلوچ و از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر در زاهدان، توسط شعبه ۶ دادگاه انقلاب زاهدان به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شده است. ابراهیم نارویی در روز ۱۱ مهرماه ۱۴۰۱ در منطقه محل سکونتش در جاده قدیم زاهدان بازداشت شد.

«منصور و نظام‌الدین در طول مدت بازداشت به شدت شکنجه شده‌اند و تحت شکنجه از آن‌ها اعتراف اجباری اخذ شده و او را با فشار و تهدید بازجویان امنیتی بدون میل خود به اجبار امضا و اثر انگشت زده‌اند.»

در روز جمعه هشتم مهرماه ۱۴۰۱ در چابهار تجمعی در واکنش به اخباری درباره «تجاوز ابراهیم کوچکزایی، فرمانده وقت انتظامی چابهار به یک دختر ۱۵ ساله بلوچ» شکل گرفت. در این روز در زاهدان نیز پس از برگزاری نماز جمعه مردم معترض به سمت کلانتری شانزده زاهدان حرکت کردند و خواستار محاکمه فرمانده انتظامی چابهار شدند. مردم معترض بی‌سلاح هدف گلوله و تیراندازی نیروهای امنیتی قرار گرفتند و دست‌کم یک‌صد نفر کشته شدند. این روز با نام «جمعه خونین زاهدان» یا «جمعه سیاه زاهدان» شناخته می‌شود.



نظام‌الدین حوت

نظام‌الدین حوت: شهروند ۲۱ ساله، از بازداشتی‌های هشتم مهر ۱۴۰۱ در چابهار است که روز هجدهم دی در شعبه دوم دادگاه شهید نوری به اتهامات «افساد فی الارض» و «محاربه» به اعدام محکوم شد. سایت حال‌وش در گزارشی از شکنجه منصور و نظام‌الدین حوت در طی دوران بازجویی خبر داد و به نقل از یک منبع آگاه نوشت:



جمعه خونین زاهدان

معترضان زیر حکم اعدام در خوزستان



شهر ایذه در استان خوزستان در اعتراضات سال‌های اخیر در ایران نقش پررنگی را ایفا کرده است. این شهر کوچک و محروم‌مانده استان خوزستان که پیش‌تر در احکام برخی از زندانیان سیاسی به عنوان محل تبعید در نظر گرفته می‌شد، هم در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و هم قیام ژینا، شاهد حضور پرشمار مردم در خیابان در اعتراض به حکومت بوده و به همین دلیل هم میزان سرکوب، کشتار و دستگیری معترضان در این شهر قابل توجه بوده است.

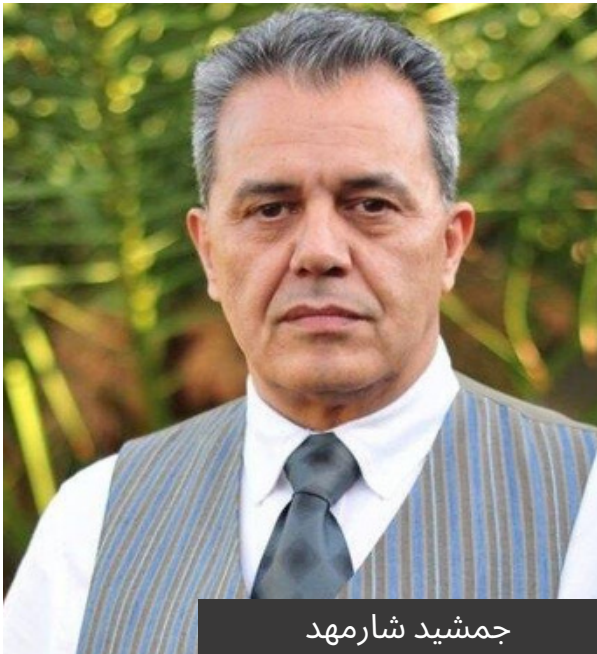
او که در روز ۲۹ آذر ۱۴۰۱ در روستای پرسینا ایذه بازداشت شده بود، در لحظه بازداشت به شدت مجروح بوده است. دو تن از همراهان او، حسین سعیدی و محمود احمدی در جریان تیراندازی نیروهای حکومتی و پرتاب نارنجک کشته شدند و پیکر آن‌ها به خانواده‌هایشان تحویل داده نشد. مجاهد کورکوری از زمان بازداشت برای گرفتن اعتراف اجباری در مورد تیراندازی و قتل کیان پیرفلک تحت شکنجه قرار داشته است.

صدور حکم اعدام برای مجاهد کورکوری در حالی است که زینب مولایی مادر کیان، به عنوان شاهد کشته شدن پسرش، بارها اعلام کرده که تیراندازی توسط نیروهای امنیتی صورت گرفته است. کیان پیرفلک روز ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در پی شلیک نیروهای امنیتی به خودروی خانواده‌اش کشته شد. در پی این تیراندازی پدر او نیز دچار جراحت شدیدی شد.

هم‌اکنون دست‌کم هفت تن از بازداشت‌شدگان این شهر با اتهام محاربه و افساد فی‌الارض مواجه هستند که می‌تواند برای آن‌ها محکومیت به اعدام را همراه داشته باشد و یک نفر به نام «مجاهد کورکوری» نیز به اعدام محکوم شده است.

مجاهد کورکوری (عباس): شهروند ۳۹ ساله، توسط دادگاه انقلاب شهرستان ایذه به اتهام قتل کیان پیرفلک، به اعدام محکوم شد.

سایر فعالان سیاسی در خطر اجرای حکم اعدام



قوه قضاییه ایران در ششم اردیبهشت ۱۴۰۲ از تایید حکم اعدام **جمشید شارمهد** فعال سیاسی ایرانی- آلمانی خبر داد. او رییس انجمنی به نام انجمن پادشاهی ایران بود و مدیریت رادیو تندر را پس از ناپدید شدن مدیر سابق آن (فرود فولادوند) بر عهده داشت. او مرداد سال ۱۳۹۹ در دوبی توسط نیروهای امنیتی ایران ربوده شد و با تایید شدن حکم اعدامش در دیوان عالی کشور در معرض اجرای حکم اعدام قرار دارد.

گروه‌ها و طبقات فرودست، هدف اصلی اعدام‌ها

محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، سیدمحمد حسینی و محمد مهدی کرمی، همگی کارگران جوانی بودند که یکی‌شان از طریق کار در کافه روزگار می‌گذراند، دیگری شاگرد میوه‌فروشی بود و آن یکی کارگر مرغ‌داری.

نگاهی به پرونده‌های معترضان اعدام‌شده و یا آنان که زیر حکم اعدام هستند و همچنین شمار دیگری که با اتهامات جدی مواجه شده‌اند، نشان می‌دهد که اکثریت‌شان به طبقات فرودست جامعه تعلق دارند.



هدف قرار دادن گروه‌های فرودست و بی‌صدا که نام برخی از آنها فقط پس از مرگ‌شان به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی راه یافت از طرفی می‌تواند نوعی اولتیماتوم به این طبقات قلمداد شود. طبقات فرودستی که جمهوری اسلامی، حکومتش را با شعار بهبود زندگی آنها آغاز کرد و اکنون پس از چهل و چهار سال حکمرانی، نه تنها توانایی فراهم کردن نیازهای اساسی‌شان را ندارد، بلکه به شدیدترین شکل اعتراضات‌شان را سرکوب می‌کند. گروه‌هایی که حکومت ایران به درستی واقف است، به جز زنجیرهایشان چیزی برای از دست دادن ندارند و اگر اعتراضات‌شان ادامه پیدا کند و به خیابان بیایند، این قدرت را دارند که تمامیت رژیم را با خطری جدی روبرو کنند.

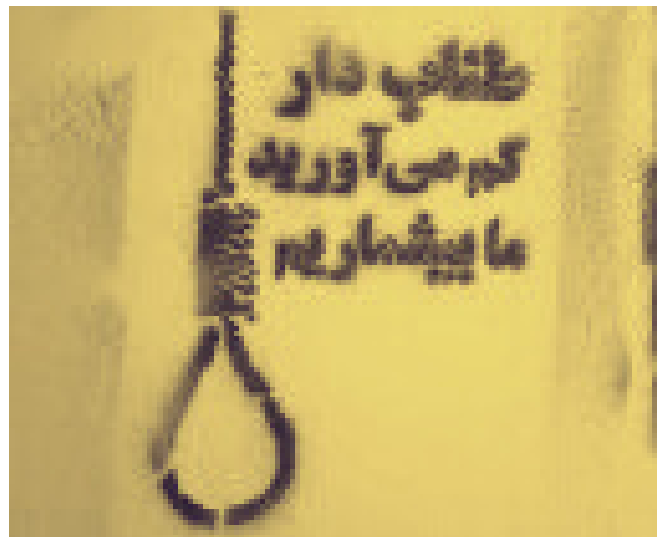
معترضانی برخاسته از نیازمندترین طبقه جامعه که علاوه بر محرومیت از حقوق سیاسی و اجتماعی، وضعیت نامعلوم اقتصادی ایران، تورم افسارگسیخته، گرانی روزبه‌روز مسکن و خوراک و پوشاک، آنان را در شرایطی قرار داد که امیدشان به آینده را از دست داده و برای تغییر شرایط کشور و بهبودی اوضاع به خیابان آمده بودند. خیابان که هنوز تنها مکانی است که برای مردم طبقات فرودست باقی مانده تا هر از چندگاهی تسخیرش کنند و اعتراضات‌شان را به اوضاع فریاد بزنند، هرچند که جوابش گلوله و زندان و اعدام باشد. از طرف دیگر اعدام این دسته از معترضان سیاسی با توجه به پایگاه طبقاتی آنها، در داخل کشور نیز با هزینه‌های سیاسی کمتری برای حکومت همراه بوده است.

کشته شدن بیش از ۵۰۰ تن از معترضان توسط نیروهای امنیتی اظهارنظری نکرده است. هیچ‌کس دستگیر و محاکمه نشده و در عوض خانواده‌های کشته‌شدگان، اعدام‌شدگان و زندانیان بطور دایم تحت تهدید و فشار نهادهای امنیتی قرار دارند تا از اطلاع‌رسانی و صحبت در مورد وضعیت عزیزان‌شان خودداری کنند. این مسئله باعث شده است تا آتش خشم مردم شعله‌ور بماند، و هر از چندگاهی مردم خشمگین دوباره به خیابان برگردند و در جریان اعتراض به احکامی مانند اعدام و مطالبه برای حذف آن از قوانین ایران، هر روز تعداد بیشتری را با خود همراه کنند.

****این گزارش تلاشی است برای برجسته کردن پرونده‌های معترضانی که به دلیل حضور در اعتراضات مسالمت‌آمیز اعدام شده و یا حکم اعدام دریافت کرده‌اند.**

جنبش زنان در ایران سابقه‌ای طولانی در مبارزه با حکم اعدام دارد و از اولین گروه‌های جامعه مدنی بوده که در کمپین‌های ضد حکم اعدام شرکت کرده و در راستای آن فعالیت کرده است.

سازمان فمنا نیز مبارزه با حکم غیرانسانی اعدام را جزئی از مسئولیت و تعهدش در دفاع از زنان مدافع حقوق بشر می‌داند. زنانی که همواره در صف مقدم مخالفت با حکم اعدام قرار داشته‌اند و امروز نیز شجاعانه علیه آن مبارزه می‌کنند.



همچنین در پرونده افراد اعدام‌شده که همگی متهم به دست داشتن در مرگ ماموران امنیتی بودند، هیچ‌کدام از متهمان اتهام کشتن ماموران دولتی را نپذیرفته و دستگاه قضایی و صداوسیما نیز برغم تلاش فراوان هرگز نتوانستند مدرکی دال بر مجرم بودن این افراد ارائه کنند. عمده اعترافات موجود در پرونده‌ها در هنگام بازجویی و به زور شکنجه اخذ شده و همه آن‌ها پس از انتقال به زندان عمومی و رهایی از بازجویی و شکنجه، اعترافات‌شان را تکذیب کردند. نگاهی به سوابق آن‌ها هم نشان می‌دهد که اغلب‌شان شهروندانی بدون سوءپیشینه و سوءرفتار بوده‌اند که برای گذران زندگی‌شان به سختی کار می‌کردند. با گذشت نه‌ماه از آغاز اعتراضات در ایران و اعدام ۷ نفر از معترضان به جرم قتل چند مامور امنیتی، دستگاه قضایی ایران اما هنوز در خصوص

فمنا از زنان مدافع حقوق بشر، گروه‌ها و سازمان‌هایشان، و از جنبش‌های فمینیستی در منطقه منا و کشورهای آسیایی حمایت می‌کند.

تمرکز فمنا بر کشورهایی است که فضای فعالیت جامعه مدنی در حال کوچک و یا بسته شدن است، و همچنین در کشورهایی که تحت تأثیر جنگ و افراط‌گرایی قرار دارند.



<https://femena.net/> 

Info@femena.net 

FemenaNet 

FemenaNet 

FemenaNet 